

پژوهش حاضر به مقایسه احساس تنهایی، امید به زندگی و بهزیستی روانشناختی در زنان سرپرست خانوار و زنان عادی مراجعه کننده به بهزیستی رشت می پردازد. این پژوهش علی مقایسه ایی است. جامعه آماری آن شامل دو گروه می باشد. گروه اول زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی و گروه دوم سایر زنانی که تحت پوشش سازمان بهزیستی هستند اما سرپرست خانوار نمی باشند. حجم نمونه شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زن سرپرست خانوار و ۱۰۰ زن عادی) است که به شیوه نمونه گیری در دسترس از چهار شهرستان رشت، انزلی، رودسر و تالش انتخاب و با استفاده از پرسشنامه های مقیاس تنهایی، امید به زندگی، شناسایی و بهزیستی روانشناختی ریف مورد بررسی قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شیوه های آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (تحلیل واریانس تک متغیری و چند متغیری) و توسط نرم افزار spss-ver20 مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل داده ها نشان داد که در ابعاد تنهایی، امید به زندگی و بهزیستی روانشناختی بین دو گروه زنان سرپرست خانوار و عادی تفاوت معنی داری وجود دارد. در نتیجه می توان بیان کرد که زنان سرپرست خانوار به دلیل تجربه فشار های متعدد زندگی و نیز به دوش کشیدن بار مالی و عاطفی خانواده نسبت به سایر زنان تحت پوشش سازمان بهزیستی از لحاظ مؤلفه های روانشناختی چون تنهایی، امید و بهزیستی در وضعیت نامساعدتری قرار دارند و نیاز است که در کمک به این افراد به این ابعاد نیز توجه داشته باشیم.

کلیدواژه‌ها: احساس تنهایی، امید به زندگی، بهزیستی روانشناختی، زنان سرپرست خانوار